

## خروج از رکود

فارغ از موضوع فقدان امنیت در حوزه سرمایه‌گذاری؛ یک مشکل بزرگ صنعت کشور را زمینگیر کرده و این مشکل همانا وجود رکود است. با این حال معاون اول ریاست جمهوری به خوبی این نکته را تشخیص داده و قول داده که دولت در اولین فرصت راهکاری برای خروج از رکود به کار بگیرد تا بخش خصوصی توانمندتر ظاهر شود. اسحاق جهانگیری توجه دولت به بخش خصوصی را بی‌نظیر خواند و گفت: جناب آقای رئیس‌جمهور و سایر اعضای دولت به این باور رسیده‌اند که برای عبور از مشکلات، هیچ راهی جز تکیه به بخش خصوصی وجود ندارد. خروج از رکود و ایجاد رونق در اقتصاد کشور از اصلی‌ترین برنامه‌های دولت است و در این مسیر به بخش تولید و تولیدکنندگان امید فراوان بسته‌ایم. این شرایط برای بخش خصوصی شرایطی استثنایی است و دولت از مشکلات این بخش آگاهی دارد اما در شرایط فعلی لازم است همگی همت کنیم تا از این مرحله دشوار عبور کنیم. البته سخنان اسحاق جهانگیری تنها به ابراز امیدواری منتهی نشد. وی در جلسه شورای اداری استان البرز تاکید کرد: مدیری که باور ندارد بخش خصوصی می‌تواند محور توسعه و پیشرفت کشور شود مناسب همکاری با این دولت نیست. بیان همین نکته کافی است تا حجت بر بسیاری که دولت را به گسترش نفوذ در بخش خصوصی متهم می‌کنند، تمام شود. به هر حال معاون اول ریاست جمهوری تلاش دارد تا دولت فقط نقش یک ناظر خوب را در حوزه اقتصادی ایفا کند و دیگر تاجر و بازرگان خوبی نباشد چون در این صورت جلوی فعالیت بخش خصوصی گرفته می‌شود.

## حمایت از اقتصاد غیررانتی

اسحاق جهانگیری به دلیل مدیر کلان در حوزه صنعت بودن، حضور در راس وزارت معادن و فلزات دولت خاتمی و وزیر صنایع و معادن به خوبی نسبت به بسیاری از سخنان ناگفته فعالان اقتصادی اشراف دارد. به همین دلیل قبل از اینکه آنان بخواهند تا در دلد کنند خود پیش دستی کرده و سخن می‌گویند که اینک در دم اقتصاد رانتی سخن گفت و بر حمایت دولت از اقتصاد غیررانتی تاکید کرد.

معاون اول ریاست جمهوری در عین حال راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و متوسط را شرط موفقیت دانست و گفت: دولت تدبیر و امید از کسب و کارهای کوچک و متوسط که توسط کارآفرینان ایجاد می‌شود، از طریق رفع موانع بروکراسی و اداری حمایت می‌کند و این حمایت را الزامی می‌داند. به هر حال مردم در اقتصاد و تولید حرف آخر را می‌زنند و دولت هیچگونه مزاحمتی برای آنها ایجاد نمی‌کند زیرا بخش خصوصی باید میدان دار واقعی شود. با اصولی که وضع می‌کنیم بخش خصوصی واقعی را جایگزین می‌کنیم تا بخش خصوصی رانتی جایگزین شود. معاون اول رئیس‌جمهوری شرط بهبود فعالیت بخش خصوصی را بهبود فضای کسب و کار ذکر و تصریح کرد: شرایط نسبت به دو سال گذشته خیلی امیدوار کننده شده است.

رتبه ایران در فضای کسب و کار در سال ۱۳۹۲، ۱۵۲ بود و اکنون به ۱۱۸ رسیده است. یکی از مسائلی که در دولت تدبیر و امید انجام شد، رفع تحریم‌ها و اجرای برجام بود که با حل این موضوع شرایط خوبی برای فرصت‌های جدید، تسهیل مبادلات و کاهش هزینه ریسک و نقل و انتقال پول ایجاد شده است. زمانی که تحریم‌ها وجود داشت، دولت حتی نمی‌توانست پول جابه‌جا کند که اعداد عجیب و غریبی از این انتقال پول گزارش می‌شد یا پول‌هایی گم می‌شد. گاهی می‌گفتند مشکلات در مبدأ یا مقصد بوده و گاهی آنهایی که پول را جابه‌جا می‌کردند به آن دستبرد می‌زدند چون وقتی روش نقل و انتقال درست نباشد، همه نوع اتفاقی می‌افتد. در هیچ جای دنیا محدودیت شرایط برای کارآفرینی آن گونه که در ایران ایجاد شده بود، وجود نداشت اما خوشبختانه امروز این مسائل حل شده است. سهمیه صادرات نفت ایران در دوران تحریم یک میلیون بشکه بود که هم اکنون با رفع تحریم‌ها این میزان به یک میلیون و سیصد هزار تا یک میلیون و چهارصد هزار بشکه در روز رسیده است و تا پایان امسال به یک میلیون و پانصد هزار بشکه در روز و در سال آینده به دو میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد.

اسحاق جهانگیری در عین حال از نسپردن کارها به بخش خصوصی واقعی انتقاد کرد و گفت: اگر چه این وعده از سوی دولت اعلام شد، اما هیچگاه به بخش خصوصی واقعی سپرده نشد و این در شرایطی بود که ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار کشور در اختیار جوانی قرار گرفت تا اقدام به فروش نفت کند. اگر پول وی به خزانه دولت برنگردد، روسیاهی آن برای عوامل آن باقی خواهد ماند، یک سال

است که این جوان دستگیر شده اما هنوز عایدی برای دولت نداشته است. برخی می‌گویند این پول خرج شده است اما مگر می‌شود به راحتی این میزان پول را خرج کرد؟

## توجه به بخش خصوصی

هر چند اسحاق جهانگیری تلاش دارد تا جایگاه بخش خصوصی را بالاتر از بخش دولتی بداند اما برخی از تحلیلگران این اعتقاد را دارند که وی در انتخابات اتاق تهران دخالت کرده و فرد مورد نظر خود را بر کرسی ریاست و نایب‌رئیس رسانده است و گرنه بسیاری تمایل داشتند که همچنان آل اسحاق رئیس اتاق تهران باقی بماند. حال این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان معاون اول ریاست جمهوری را به دخالت در انتخابات اتاق تهران متهم کرد و این ارزیابی را داشت که دولت می‌خواهد اتاق تهران و ایران را زیر چتر خود داشته باشد. وی قبل از اینکه این شایعات بخواهد گسترش بیشتری پیدا کند ترجیح داد که موضع دولت را در مورد انتخابات اتاق بازرگانی روشن کند. به همین دلیل در سخنانی به صراحت گفت: اتاق جای بسیار مهمی است و به معنای واقعی پارلمان بخش خصوصی است و دولت به اتاق به چشم یک مشاور می‌نگرد. بنابراین انتخابات آزادانه و بدون دخالت دولت برگزار می‌شود و هیچ یک از اعضای هیئت نمایندگان نباید به شایعات توجه داشته باشند.

البته وی نکته دیگری که مدتها بود بخش خصوصی بابت آن خون دل خورده بود را مورد توجه قرار داد و تصریح کرد که دولت رقیب بخش خصوصی نیست. با این حال این سخنان مانع از آن نشد تا معاون اول رئیس‌جمهوری از اتاق نخواهد تا در دستیابی به برخی از اهداف دولت را باری برساند. وی مهمترین وظیفه اتاق را افزایش صادرات و کمک به رشد اقتصادی دانست و گفت: دولت باید بستر ساز فعالیت بخش خصوصی باشد. اتاق وظیفه مهمی دارد و در سال ۹۴ باید رشد ۴ درصدی نیمه اول امسال را حفظ و استمرار دهد و اصلی‌ترین کار ما توجه به صادرات است.

بیان این سخنان در واقع انتظاراتی که دولت از بخش خصوصی دارد را به تصویر می‌کشاند. هر چند به موازات طرح چنین انتظاراتی دولت ضمن اشاره به مشکلات بخش خصوصی از تلاش دولت در جهت رفع آن مشکلات خبر داد. به هر حال این نکته را باید مورد توجه قرار داد که بخش خصوصی و دولت مکمل یکدیگر بوده و در کنار هم می‌توانند موفق شوند نه روبروی هم.

## سخن آخر

به نظر می‌رسد که در حال حاضر، بهتر می‌توان به سوال طرح شده در ابتدای گزارش پاسخ داد. آیا می‌توان این ارزیابی را داشت که دولت تلاش کرده تا هیئت رئیسه‌ای در اتاق تهران و ایران به قدرت برسد که از دستورات دولت تبعیت کند. به نظر می‌رسد که کارشناسان منتقد، به یک نکته ظریف توجه نکردند و آن نکته ظریف این است که اتاق بازرگانی در دوران پسابرجام باید واجد چه ویژگی‌هایی باشد؟ آیا باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که بتواند دولت را در رسیدن به اهداف اقتصادی‌اش باری برساند یا به گونه‌ای رفتار کند که سیاست‌ها و رفتارهای آن در برابر دولت قرار بگیرد. مشخص است که در صورت تحقق رویکرد نخست، کشور زودتر می‌تواند پیشرفت کند و موانع پیش‌روی اقتصاد را بردارد اما در صورت تحقق رویکرد دوم، نه تنها اهداف مورد نظر محقق نمی‌شود بلکه بسیاری از منابع دولتی هدر می‌رود و کشور نمی‌تواند به افق رشد ۸ درصدی اقتصاد دست یابد.

اگر هیئت رئیسه‌ای همسو با دولت در اتاق بازرگانی به قدرت رسید بیشتر به این دلیل بود که قشر جوان به دوران پسابرجام را درک کرده و خود را با آن شرایط هماهنگ کند. ضرورت‌های دوران پسابرجام را درک کرده و خود را با آن شرایط هماهنگ کند. میل مردان اقتصادی در حال حاضر برگرفته از تفکر اعتدالی است و این تفکر کلیه نهادها را از خود متاثر می‌سازد همچنانکه به نظر می‌رسد در مجلس نیز تفکری که دولت را شکل داد، از اقبال بیشتری برخوردار باشد. از سوی دیگر باید این نکته را مورد توجه قرار داد که اگر انتخابات اتاق بازرگانی برای دولت اهمیت داشت بیشتر به این دلیل بود که مردان اقتصادی اتاق نقش بسیار مهمی را در تحقق اهداف دولت ایفا خواهند کرد. به همان میزانی که برای شوالیه‌های اقتصادی مهم است که چه کسانی در دولت به قدرت برسند، برای مردان سیاست هم اهمیت دارد که چه افرادی در اتاق بازرگانی قدرت را در دست بگیرند. چون هماهنگی بیشتر این دو تیم اقتصادی می‌تواند یک شگفتی را خلق کند که اینک با همیاری بیشتر این دو بخش امکان بهره‌گیری از فرصت‌های پسابرجام محقق می‌شود.

